

دکتر مهتاب مبینی*

رکسانا حکیمی**

تاریخ دریافت: ۹۲/۹/۱۱

تاریخ پذیرش: ۹۲/۱۲/۱۰

بررسی نماد خورشید و مفاهیم مرتبط با آن در هنر و اساطیر بین‌النهرین

چکیده:

نقش خورشید به عنوان یکی از نمادهای سنتی از دوران تمدن‌های باستان تا به امروز همواره مورد توجه بوده است. خورشید در آثار هنری برجای مانده از تمدن بین‌النهرین به اشکال گوناگون نمایش داده شده است، به طوری که گاه به شکل ستاره چهار پر و گاه در شکل و شمایل انسان مجسم شده است. نماد ایزد خورشید در زمان بابل بر تارک لوح حمورابی می‌درخشید و در دوره آشور به شکل گوی بالدار، نماد پادشاهی آشور بود و گاه بر گردن پادشاهان خود نمایی می‌کرد. از ایزد خورشید در اسطوره‌ها به نام‌های اوتو، شمش یا شاماش یاد شده است. هدف از این مقاله تحقیق و طبقه‌بندی انواع نقوش، کاربردها و مفاهیم مرتبط با نماد خورشید در اساطیر و آثار هنری دوره‌های مختلف تاریخ بین‌النهرین (سومر، اکد، بابل، آشور) می‌باشد. نتایج نشان می‌دهد در هنر بین‌النهرین این‌گونه نقوش صرفاً دارای جنبه تزئین نبوده، بلکه نماد یک عقیده و سمبل دینی بودندند و ناشی از اعتقادات دینی و اسطوره‌ای بوده‌اند و در ادیان خدا- خورشید به عنوان نمادی از ایزد خورشید و همین‌طور تعویذ و یا تزئینات مورد استفاده قرار می‌گرفتند. شیوه این مقاله توصیفی تحلیلی بوده است و گردآوری داده‌ها به استفاده از منابع کتابخانه‌ای است.

کلید واژه:

خورشید

نماد

بین‌النهرین

اسطوره

شمس

استادیار گروه هنر، دانشگاه پیام نور، ایران*

dr.m.mobini@gmail.com

دانشجوی کارشناسی ارشد پژوهش هنر دانشگاه پیام نور تهران**

مقدمه

«بین‌النهرین یا میان رودان منطقه جغرافیایی است که میان رودهای دجله و فرات واقع شده و بیشتر سطح آن در کشور عراق امروزی قرار گرفته است. رسوبات متغیر دجله و فرات و طغیان این رودها سبب پیدایش باتلاق و دشت‌های حاصل‌خیزی است که از آفتاب سوزان و بارورکننده برخوردار است» (گری، ۱۳۷۸: ۷). ساکنان کشاورز منطقه بین‌النهرین به ضرورت وجود خورشید برای ادامه حیات و زندگی نه تنها انسان‌ها، بلکه گیاهان و جانوران نیز پی‌برده بودند، به همین علت خورشید مورد توجه خاص و تقدس قرار داشت. با روند تکامل و ورود به دوره شهرنشینی، خدایان جنبه آسمانی به خود گرفتند و به جای پرستش اشیاء، برای اینگونه عوامل طبیعی منشأ ربانی قابل شدند و برای آن‌ها معابدی ساختند و مراسم خاصی بر ایشان اجراء می‌کردند و برای آن‌ها قربانی و هدیه می‌دادند. ایزد خورشید به عنوان یکی از مهم‌ترین خدایان آسمانی در ادیان خدا- خورشید پرستش می‌شد و درسومریان اوتو و به زبان اکدی شَمَش نامیده می‌شد و در هنر بین‌النهرین با نقش مایه‌های گوناگون در انواع آثار هنری و یا به صورت اسطوره در بسیاری از افسانه‌ها و سرودها به کار برده شده است. این نماد بر فراز بسیاری از لوح‌ها، سنگ‌های یادمان و در نقوش داستانی مهرهای استوانه‌ای به وفور دیده می‌شود. در کتاب‌های نمادشناسی همچون کتاب جیمز هال فرهنگ نگاره ای نمادهای شرقی و غربی و یا کتاب کوپر نمادهای سنتی به شرح مختصری از نماد خورشید اشاره شده است، اما طبقه‌بندی و مقایسه نمادها در کل تمدن بین‌النهرین و در اقوام سومر، اکد، بابل و آشور در این پژوهش جنبه نوینی دارد. در این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی به بررسی انواع نقوش و نمادهای خورشید در هنر تمدن بین‌النهرین پرداخته شد تا به مفاهیم و کاربرد این نقش، که به طور گسترده در این تمدن و نیز در تمدن‌های کهن باستان از جمله مصر و ایران به کار می‌رفته، پی‌ببریم.

معنا و تاریخچه اسطوره خورشید

اسطوره خورشید در بین اقوام گوناگون تمدن بین‌النهرین با اسامی و مفاهیم مختلف شناخته می‌شد. جرمی بلک در کتاب خود به معرفی نام‌های مرسوم و مرتبط با این اسطوره، در زبان‌های سومری و اکدی پرداخته است. «اوتو (Utu) خدای سومری خورشید و نام اکدی آن شَمَش بود. او نور درخشان خورشید را نشان می‌دهد که هر روز برای روشن کردن زندگی بشر و اهدای گرمای روح بخشی که منجر به رشد گیاهان می‌شود، باز می‌گردد. اوتو در روایت سومری، پسر نانا (Nanna) خدای ماه و برادر دوقلوی اینانا (Inana) می‌باشد. وی گاهی در روایات اکدی، پسر انو (Anu) یا انلیل (Enlil) تصور می‌شده. همسر وی شریده یا (به اکدی) ایه (Aya) بوده است. دو معبد اصلی اوتو، هردو به نام ا-بَبَر (E-babbar) «خانه درخشان» در سیپار (Sippar) اکد و لارسا (Larsa) واقع در جنوب سومر بودند. در دوره آشوری، معبد مشترک برای شَمَش و سین (نانا - سوئن) (Nanna- Suen) در آشور، وجود داشت» (بلک، ۱۳۹۲: ۳۰۳). از آنجایی که پژوهشگران زبان اکدی را جد زبان عربی می‌دانند احتمال می‌رود که کلمه عربی شمس برگرفته از نام اکدی شَمَش باشد. یکی از با ارزش‌ترین آثار هنری دوره اکد مهرهای استوانه‌ای هستند که با بررسی نقوش حک شده بر آن‌ها می‌توان به تاریخچه و خصوصیات نمادهای مختلف پی‌برد. در زیر با بررسی یکی از نقوش این مهره‌های استوانه‌ای، به شرح مفاهیم، مشخصات و تاریخچه اسطوره خورشید می‌پردازیم. «پرستش اوتو از کهن‌ترین دوران، تصدیق می‌شود. چنین توصیف شده که اوتوی ریش دار با بازوان بلند و کشیده در سپیده دم از درهای آسمان ظاهر شده و پس از انجام



تصویر ۱. مهر استوانه ای دوره اکدی
ماخذ: (بلك، ۱۳۹۲:۳۰۳)

سفری روزانه در افلاک، دوباره به هنگام غروب از یک جفت در مشابه، واقع در افق غربی، به داخل آسمان می‌رود. مهرهای استوانه‌ای دو خدا را در حال باز کردن درهای آسمان، برای ورود اوتو نشان می‌دهند. (تصویر ۱) ایزد خورشید نماد خود، یعنی اَرّه هرس، که نمونه آن هنوز در خاور نزدیک استفاده می‌شود را با تیغه کمانی و دندانه‌های بزرگ و ناهموارش، تهدیدوار در هوا می‌چرخاند « (بلك، ۱۳۹۲:۳۰۴). ظاهراً به این دلیل که خورشید در مسیرش از میان آسمان‌ها، همه چیز را می‌بیند، ایزد خورشید خدای حقیقت، عدالت و صحت محسوب می‌شده. این ایزد به عنوان حامی خاص برخی پادشاهان حماسی، نظیر گیلگمش نیز ایفای نقش می‌کرده است. شمش در حماسه بابلی گیلگمش، به این قهرمان علیه محافظ هیولا صفت جنگل سدر، یعنی هومبابا (Humbaba) کمک می‌کند.

«در اسطوره‌ها خدای خورشید دشمن تاریکی، بیماری‌ها و اهریمنانی بود که از دیر باز نماد تاریکی بودند. خورشید در این روایات پاسدار ستمدیدگان و خدایی بود که آسمان را هر روز از افق شرق تا غرب در می‌نورید و حتی در کیهان شناخت بین‌النهرین در جهان زیرین سفری چون سفر در جهان مرئی داشت « (گری، ۱۳۷۸:۲۷). در بسیاری از آثار هنری اساطیر را سوار بر مرکب خاص خود، نمایش می‌دهند که از این میان می‌توان به کشتی، ارابه و گردونه اشاره کرد که در روایات مختلف از آن‌ها به عنوان مرکب نماد خورشید یاد می‌شود.

« ایزد خورشید با گردونه‌اش عرض آسمان‌ها را می‌پیمود. این گردونه را اسب‌ها می‌کشیدند. نیایش‌ها به درگاه او خطاب می‌شد. او که ناظر بر همه رویدادهای زمینی بود، ایزد دادگری و قانون بخش ایزدی و نیز نظارت کننده همه بخت‌ها بود « (وارنر، ۱۳۸۹:۱۹۰). در اسطوره‌های آسمانی بابلیان سین (خدای ماه)، شمش (خدای خورشید) و ایشتر (ستاره هشت پر، نماد الهه عشق، جنگ و سیاره ونوس) تشکیل سه‌گانه‌ای از خدایان اصلی را می‌دهند که امروزه نیز در علم نجوم کنونی اگر چه با نام‌های متفاوت، نقش مهمی را دارند (تصویر ۲).

چگونگی پیدایش نماد خدایان

انسان همواره تمایل به خلق اساطیر مختلف داشته و با استفاده از زبان نماد به بیان تخیلات خویش می‌پرداخته است. بسیاری از این اساطیر در مقام قهرمانان و برخی دیگر نیز در نقش سمبل دینی و اعتقادی ظاهر می‌شدند. هر یک از این نمادها می‌بایست به گونه‌ای ترسیم می‌شدند که بتوانند بیان‌گر خصوصیات و صفات اسطوره مورد نظر باشند.

« نماد در هنر در سطوح مختلف و بر طبق اعتقادات و رسوم اجتماعی که الهام‌بخش هنرمند است عمل می‌کند. در سطح دیگر پندارهایی وجود دارد که مربوط به پرستش می‌شود و بخش اعظم را تشکیل می‌دهد. لحظه‌ای جسم آدمی را در نظر بگیریم که هنرمند آنرا برای نشان دادن یک خدا یا یک الهه به کار می‌برد. خود به خود جسم، غیر شخصی و بدون نام است. باید نخست جامه‌ای به شیوه متمایز بر آن پوشانید تا آن را بتوان به صورت خدایی مشخص درآورد.

اما خدایان را همیشه به صورت انسان نشان نمی‌دادند. روزگاری مردم چنین می‌پنداشتند که پدیده‌های طبیعی- مسیر خورشید در آسمان، ریزش باران، باروری جانور، حاصل‌خیزی خاک، بارداری و زایش کودک- همگی تحت نظارت نیروهای نامرئی است. از آنجا که زندگی خود را وابسته به رفتار مساعد آنان می‌دانستند، می‌خواستند با قربانی و دعا نظرشان را جلب کنند. به این نیروهای اسرارآمیز، در آغاز شکل انسانی نمی‌دادند، به طوری که هنرمند، زمانی که می‌خواست تصویری از خورشید و ماه و یا آذرخش به دست دهد، خود خدا را به تصویر می‌کشید. بنا براین



تصویر ۲. نماد شمش، سین و ایشتر
ماخذ: (seekecho.com)

به یک مفهوم، اینگونه تصویر فرا تر از نمادگرایی است و به طور تحت‌اللفظی تجسمی از یک خدا است. جانوران را نیز دارای همان نیروی اسرار آمیز یا مانایی می‌پنداشتند که در جهان طبیعت نفوذ می‌کنند، به‌طور مثال: پرندگان نه تنها موجب پیشگویی هوا می‌شدند، بلکه آن را به طریقی ایجاد می‌کردند. آن‌ها به عنوان مبشران خورشید و طوفان مورد پرستش بودند. هنگامی که خدایان و الهه‌ها به صورت مردان و زنان در آمدند، نقوش کهن از میان نرفتند. خدای آدمی شکل را به صورتی مصور کردند که بر فراز شکل حیوانی پیشین خود ایستاده یا بر آن نشسته است و گویی آن شکل، مرکب یا «گردونه» اوست. قرص خورشید و هلال ماه بخشی از تاج و پوشش سر او شدند. سرانجام پس از آنکه کاملاً به صورت انسان در آمدند، موجودیت پیشین و تمثیلی خود را به عنوان صفات ویژه حفظ کردند» (هال، ۱۳۸۰: ۱۶).

نمادهای خدای خورشید یا شمش در بین‌النهرین

نمادهای خورشیدی با نقوش هندسی و یا اشکال الهام گرفته از طبیعت و انسان به‌گونه‌ای ترسیم می‌شدند که نمایان‌گر صفات ویژه آن نماد باشند.

«به‌طور کلی نمادهای خورشید در هنر عبارتند از: چرخ گردان، دیسک، دایره با نقطه مرکزی، دایره مشعشع، صلیب شکسته، پرتوهای مستقیم یا موج که هم مظهر نور و هم مظهر گرمای خورشید است، ارابه‌های درخشان که ایزدان خورشید به کمک اسب‌های سفید یا طلایی آنرا می‌رانند، یا درکشتی‌های شمسی از دنیا عبور می‌کنند. خورشید گاهی به شکل میوه بر روی درخت حیات تصویر شده است» (کوپر، ۱۳۷۹: ۱۳۳). هر یک از این اشکال در بین اقوام، و تمدن‌های گوناگون همراه با مفاهیم و کاربردهای متفاوت رواج داشتند.

«در هنر بین‌النهرین، شمش خورشید - خدای بین‌النهرین، نخست شکل یک ستاره چهار پر با چهار شعله یا پرتو را به خود گرفت [سده نهم پیش از میلاد]. همچنین شکل آداد (Adad)، طوفان - خدا را داشت. نقش آنرا بر فراز دیرکی در مدخل پرستشگاه نصب می‌کردند. همچنین به عنوان حرز و تعویذ به کار می‌رفت» (هال، ۱۳۸۰: ۲۰۵).

یکی دیگر از اشکال این نماد در شکل و شمایل انسان است که از جمله مهمترین موارد کاربرد این‌گونه نمادها مهرهای استوانه‌ای هستند که با نقوش داستانی حک شده بر روی آن‌ها خود روایتگر بخش‌های مهمی از تاریخ، آداب و رسوم و عقاید جوامع بشری عصر خود می‌باشند. «شمش را بر روی مهرهای استوانه‌ای آشوری، به صورت انسانی تصویر کرده‌اند. با توصیفی که در سپیده دم، از میان درهای آسمانی که بر روی کوه‌های خاوری گشوده می‌شود، بیرون می‌آید (تصویر ۳). از شانه‌ها و بازوانش، پرتوهایی می‌تابد. نشان ویژه او آره است گاه عصا و حلقه یا گریز در دست و کلاهی شاخ دار بر سر دارد و همراهان وی دو گاو - مرد یا دو کژدم - مرد هستند از دوره نو - آشوری، اسب برای او مقدس بود. در همان عهد او را به شکل غیر تمثیلی به گونه بین‌النهرینی قرص خورشید نشان می‌دادند. بر روی مهرهای نو - بابلی، این قرص بر فراز زیگورات است. همچنین او را به وسیله قرص بالدار، که ممکن است زیر آنرا دو گاو - مرد نگاه داشته باشند، نشان می‌دهند. صلیب به عنوان یک نشانه باستانی خورشید، نیز احتمالاً دلالت بر شمش داشت (تصویر ۴)، لاقلاً از دوره کاسی‌ها، که صلیب را پادشاهان به عنوان حرز و تعویذ با خود داشتند» (هال، ۱۳۸۰: ۳۷۱).

دایره

«در تمامی ادیان و اساطیری که خورشید نقش مهمی ایفا می‌کند شکل خورشید به تدریج



تصویر ۳. نقش خدای خورشید شَمَش؛ مهر

استوانه ای آشوری

ماخذ:

(crstalinks.com)

تصویر ۴. خدای خورشید یا شَمَش

ماخذ:

(pinterest.com)

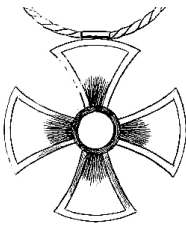


تصویر ۵

نماد صلیب آشوری

ماخذ:

www.gutenberg.org



تصویر ۶

نماد ستاره چهار پر و دایره

ماخذ:

en.wikipedia.org



تصویر ۷

کودوروی ملی شپیک دوم

ماخذ:

www.louvre.fr



به دایره تبدیل شده و به عنوان نماد خورشید در هنرهای دینی آنان مطرح گردیده است» (دوبوکور، ۱۳۷۶: ۸۶). «دایره و چرخ همواره بر یکدیگر دلالت کرده اند و همراه هم بوده‌اند و گاه به یکدیگر تبدیل شده اند. اولین چرخ‌هایی که در تاریخ نشانی از آن‌ها یافت شده چرخ های ارابه ای است خاص حمل اموات که کاتبی سومری در ۳۵۰۰ ق.م آنرا تصویر کرده است» (دوبوکور، ۱۳۷۶: ۸۷). «صلیب با چهار بازوی مساوی ابتدا، دایره بود و درون یک دایره محاط شده است، چهار جهت اصلی آن در بین‌النهرین نماد چهار جهت اصلی طبیعت و بادهای باران زاست که نماد خدایان آسمان، آب و هوا است و نیز نماد شمش و آنو (Anu) خدای آسمان است» (تصویر ۴) (هال، ۱۳۸۰: ۱).

صلیب (Cross)

«جدا از صلیب شکسته (Swastika) تنها نقش مایه مانند که به عنوان عنصری منحصر به فرد در هنر بین‌النهرین مطرح می‌باشد، «طرح صلیب شکلی» است، که به آنچه ما امروزه صلیب مالتی (Maltese) می‌نامیم، نزدیک می‌باشد» (بلک، ۱۳۹۲: ۹۵). «این نقش مایه پس از دوره سلسله‌ای نخستین تا نیمه هزاره دوم پیش از میلاد، از صحنه هنر محو گردید. در هنر نو - آشوری و آشوری میانه، ظاهراً صلیب به طور طبیعی با صفحه بالدار عوض شده، با این حال، مجسمه‌های پادشاهان آشوری، آن‌ها را ملبس به نمادهای ایزدی، نظیر گوشواره‌ها یا گردن‌بندهای آویزان، نشان داده و در این گونه موارد، همواره این صلیب بیشتر از صفحه بالدار دیده می‌شود. این که صلیب در مهرهای آشوری جای صفحه بالدار را بگیرد، بسیار بعید است؛ ولی در اینجا در بعضی موارد، صلیب با چهار برآمدگی موجدار، که احتمالاً اشعه‌های خورشید هستند و به طور مورب از تقاطعشان بیرون زده‌اند، نشان داده می‌شود. (تصویر ۵) این‌ها نشانه‌های قطعی صلیب به عنوان نماد دیگر خدای خورشید، یعنی شمش (اتو) می‌باشند (همراه با صفحه خورشیدی و صفحه بالدار)» (بلک، ۱۳۹۲: ۹۷). «در مورد طرح صلیب شکسته که در هنر بین‌النهرین به ندرت به چشم می‌خورد. این طرح به اشکال مختلفی همچون: نماد خورشیدی مقتبس از چرخ های ارابه خدای خورشید؛ علامت دژ یا منطقه ای مستحکم؛ نماد گردباد و یا بادهای چهارگانه، توصیف شده است. دست کم در بین‌النهرین، هیچ مدرک معتبری مبنی بر وجود این نقش مایه به عنوان طرحی خورشیدی، وجود ندارد» (بلک، ۱۳۹۲: ۲۸۴).

نماد ستاره چهار پر و دایره یا صفحه خورشید (Solar disc)

«صفحه‌ای با ستاره چهار پر نوک تیز و سه اشعه موج بین هر پره ستاره (تصویر ۶)، از دوره اکدی تا نو بابل مشاهده می‌شود. تقریباً به طور حتم به عنوان نماد خدای خورشید، یعنی شمش (اتو) تعیین می‌شده است. اسامی اکدی این نماد شَمَشَتو (Šamšatu) و نیپ هو (Niphu) می‌باشد. این نماد اغلب بر روی تیرکی به عنوان یک علم، نمایش داده می‌شود» (بلک، ۱۳۹۲: ۲۷۸). و یا در بالای بسیاری از کتیبه‌ها همراه با نماد سین، خدای ماه و ستاره، نماد الهه ایشتار دیده می‌شود. از میان آثار هنری دارای این نماد در هنر بین‌النهرین به عنوان نمونه می‌توان به کودوروها و مجسمه‌ها اشاره کرد.

کودورو (Kuduru) نوعی سند مالکیت به حساب می‌آمد که گاه پادشاهان و صاحب منصبان عالی رتبه آن را صادر می‌کردند و در آن اعطای قطعه زمینی خاص همراه با معافیت از پرداخت بعضی از مالیات‌ها و برقرار شدن مجدد دریافت برخی خدمات به شخص خاص رسماً اعلام می‌گردید. «به نظر می‌رسد کودورو به صورت بخشی الحاقی در پایان متن منشور اهدای زمین،

به ویژه سوگند مذهبی که در آخر منشور برای حفظ آن اضافه می‌شد، باقی ماند. اگر چه نمی‌توان رب النوع‌های نامبرده در سوگندنامه را نیروهای محافظ ویژه دانست یا آن‌ها را در میان علائم نمادین نقش برجسته کودورو تشخیص داد، تردیدی وجود ندارد که منظور از به‌کارگیری این نشانه‌ها تبدیل کودورو به اثر تاریخی مقدسی بوده که آسیب رساندن به کل یا بخشی از آن توهین به مقدسات شمرده می‌شده است» (موتگارت، ۱۸۹۷: ۱۹۰). از میان کودوروهای دارای نماد صفحه خورشیدی در هنر بین‌النهرین به دو موارد زیر اشاره می‌شود.

۱- «کودوروی ملی شیپک دوم از شوش که مربوط به دوران کاسی‌هاست در آن ملی شیپک دوم عطیه‌ای را به پسرش مردوک- آپل-آیدین صادر کرده است (تصویر ۷)، نیروهای ربانی حاکم بر جهان هستی در سلسله مراتب خدانشناسی مجمع خدایان کاسی نشان داده شده‌اند. متن فرمان در پشت کودورو کنده شده و با فهرستی از خدایان مسئول در حفظ و نگهداری سند و شاهد بر اجرای تمام مواد آن به پایان می‌رسد. تصویر نمادی بیست و چهار خدا در پنج ردیف نقش شده است که این نمادها را در ردیف اول و از چپ به راست هلال ماه یا سین، ستاره هشت پر یا ایشتر و قرص خورشید یا شمش تشکیل می‌دهند» (مجیدزاده، ۱۳۸۰: ۱۴۰). و نماد سایر خدایان در ادامه تا ردیف پنجم به تصویر درآمده است.

۲- «کودوروی دیگری که ملی شیپک برای دخترش به پا داشته بود (تصویر ۸) او را می‌بینیم که دست دخترش هو توبت-نن را گرفته است و او را به الهه نن معرفی می‌کند. این صحنه معرفی در حضور سه خدای سین (هلال ماه)، شمش (قرص خورشید) و ایشتر (ستاره هشت‌پر) انجام می‌پذیرد» (مجیدزاده، ۱۳۸۰: ۱۴۰).

علاوه بر کودوروها این نماد در برخی از مجسمه‌های پادشاهان نیز به چشم می‌خورد؛ به طور مثال «در مجسمه شلمانزر سوم از دوران امپراتوری آشور که در حال حاضر در موزه باستان‌شناسی شهر استانبول نگهداری می‌شود، (تصویر ۹) شاه لباسی کاملاً مشابه آشور ناصرپال به تن دارد وی دو خنجر به کمر و زنجیر بلندی با نماد خدایان (آدد، شمش، آنو، ایشتر و سین) به گردن دارد» (مجیدزاده، ۱۳۸۰: ۱۹۵).

شمس در شکل انسان

خدای خورشید در شکل و شمایل انسانی در بسیاری از نقش برجسته‌ها و مهرهای استوانه‌ای سلسله‌های مختلف بین‌النهرین به وفور دیده می‌شود. در اینجا از میان نقش برجسته‌ها به دو مورد از مشهورترین آن‌ها، یعنی لوح قانون حمورابی و سنگ یادمان نبو- آپل- آیدین اشاره می‌شود و از میان مهرهای استوانه‌ای به بررسی مهرهای آکدی می‌پردازیم.

۱- سنگ یادمان حمورابی که به قانون حمورابی شهرت یافته است، با وجود شکل نامنظم هندسی، سطحی به خوبی صیقلی شده دارد (تصویر ۱۰). این اثر در قرن دوازدهم ق.م پس از پیروزی نظامی شوتروک-نهنوت در بابل به صورت غنیمت جنگی به شهر شوش، پایتخت امپراتوری ایلام انتقال یافت. در نقش برجسته این سنگ یادمان حمورابی را می‌بینیم که در برابر شمش، خدای بر تخت نشسته خورشید و قاضی متعال ایستاده است. اگرچه ما در اینجا با صحنه‌ای قراردادی و متداول از معرفی رو به رو هستیم، به نظر می‌رسد که هنرمند با آگاهی کامل از ماهیت فوق‌العاده این ملاقات دست به تصویر آن زده است. «این صحنه باریابی ساده حاجت‌مندی به درگاه خداوندی نیست، بلکه هنرمند کوشیده است ارتباط میان قانون‌گذار و مجری قانون را، آن‌گونه که در متون است، القاء کند» (مجیدزاده، ۱۳۸۰: ۱۹۵). «قوانین حمورابی



تصویر ۸

کودوروی ملی شیپک برای دخترش
ماخذ:

www.tumblr.com

تصویر ۹. مجسمه شلمانزر سوم
ماخذ:

reclaimingthemind.org



SHALMANESER III

به طرز زیبا روی لوح بلند و ناهمواری از سنگ بازالت سیاه حکاکی شده است و بر بالای آن پیکره برجسته او درحالی که الهام تدوین را از شمش خدای شعله بر دوش خورشید می‌گیرد کنده شده است. این واقعه بر فراز یک کوه رخ می‌دهد و این از برجستگی‌های دندان‌مانند ای شکل زیر پای خدای خورشید استنباط می‌شود. شمش نشان‌های ویژه قدرت خدایی یعنی باتون و حلقه را در دست دارد و قانون را به حمورابی که با حالتی از دقت آمیخته با احترام مجسم شده است، انشاء می‌کند. در اینجا یک بار دیگر با استعداد هنرمند بین‌النهرینی برای آفرینش

تصویر ۱۰.
سنگ یادمان حمورابی
ماخذ:
www.cyarthistory.com

تصویر ۱۱
لوح سنگی نبو- بل- ایدین
ماخذ:
www.tumblr.com



شکل‌های استوانه‌ای روبرو می‌شویم. شمش به شیوه مأنوسِ نمای مرکبِ جانبی و روبرو بازنمایی شده است، حال آنکه حمورابی یعنی خدمتکار او در حالتی نزدیک به نیم‌رخ مجسم شده است. این مواجهه خدا با انسان، همچنان شکلی انسانی به خدایان نسبت می‌داد، بازتابی از هر چه انسانی‌تر شدن نیروهای طبیعی و فوق‌طبیعی است (گاردنر، ۱۳۹۱: ۵۸).

۲- «لوح سنگی نبو- بل- ایدین، این لوح سنگی کوچک به عرض ۱۸ سانتی‌متر که از درون یک جعبه گلی به دست آمد (تصویر ۱۱) در سال ۸۷۰ ق. م به مناسبت مرمت معبد شمش در شهر سیپّر برپا گردید. در این اثر شمش در زیر آسمانه بر تخت نشسته است و در برابر او یک صحنه معرفی تصویر شده است. سه کتیبه روی لوح توضیح می‌دهند که الهه‌ای (در سمت چپ) در معیت کاهنی به نام نبو- نادین- شومی (سمت راست)، نبو- بل- ایدین را به خداوند شمش معرفی می‌کند. شاه کلاه مخروطی به سر دارد. یک میز قربانی در برابر تخت خدا قرار دارد که از بالا دو خدا میز را با طناب‌هایی که به آن بسته شده است، نگاه داشته‌اند، بر روی میز نماد خدا به شکل خورشید دیده می‌شود. درون آسمانه نماد خدایان سین، شمش و ایشتر به شکل‌های هلال ماه، قرص خورشید و ستاره نقش شده است و دو گاو- مرد پایه‌های ستونی شکل تخت خدا را نگاه داشته‌اند. خط زمینه در پایین از چندین خط موازی با چهار ستاره در میان آن‌ها تشکیل شده است که به معنی اقیانوس آسمانی است» (مجیدزاده، ۱۳۸۰: ۲۳۵).

۳- «مهرهای استوانه‌ای از حدود ۳۵۰۰ سال قبل از میلاد مرسوم شدند. این مهرها به مانند مهرهای چاپی برای معرفی اشخاص یا مؤسسات به کار برده می‌شدند، ولی طرح آن‌ها به جای فشردن مهر، بوسیله غلتاندن آن بر روی خمیر سفالگری یا گل ایجاد می‌گردید و به همین دلیل کاربرد آن‌ها برای سطوح بزرگ مانند مهر و موم کردن درها رضایت بخش‌تر بود» (reade, ۱۹۹۱, ۲۲).

«مهرهای استوانه‌ای آکد سهم عمده مهر سازان آکدی در سیما شناسی بین‌النهرین، خلق تمثال قابل شناسایی خدایان از طریق استفاده از نمادهای آنان بود. همان‌گونه که روی مهرها

می‌بینیم، این مجمع کوچک خدایان ساختار سلسله مراتبی دارد. در این صحنه‌ها معمولاً یک یا چند خدا دست خود را به نشانه احترام یا پرستش در برابر خدای دیگری بلند کرده‌اند که بی‌تردید مقام و منصب بالاتری دارد. در چهارچوب این ساختار سلسله مراتب است که نخستین مقام به خدایی با نماد نهرهای آب تعلق دارد و خدایان خورشیدی برای ادای احترام به حضور او بار یافته‌اند. (تصویر ۱۲) هرگاه از خدای نهرها، آن‌گونه که در این مهر در چهار چوبی از جریان آب محصور شده است، نمایش داده شود، این نهرها بی‌تردید اقیانوس نخستین را ارائه می‌کنند.



سمت راست تصویر ۱۲.

مهرهای استوانه ای اکد

ماخذ:

com.artstuckinmyeye.www

سمت چپ تصویر ۱۳.

آویز گردن‌بند، قرن ۱۸ - ۱۹ ق. م، بابل

ماخذ:

org.metmuseum.www

اگر چه خدای خورشید معمولاً با دو شعله بر شانه‌ها ظاهر می‌گردد، اما این انتساب همیشه درست نیست، زیرا این خدا شخصیت پیچیده‌ای دارد و افزون بر آن خدایان دیگری از همین نوع با نماد شعله در صحنه حضور می‌یابند. اگرچه خدای خورشید در حالت نشسته بر تخت نیز نشان داده شده است، حالت ویژه او پهلوان جنگاوری است که یک پای خویش را، همچون پادشاهی فاتح، پیروزمندانه بر مانع یا دشمن مغلوب نهاده است. هرگاه که وی به این حالت بر فراز کوه پدیدار می‌شود، این کوه گاه به شکل یک یا دو گاو-مرد یا شیری که از دهانش شعله‌های آتش خارج می‌شود یا خدای کوهستان شخصیت می‌یابد. چنین صحنه‌ای بی‌تردید بر آمدن خورشید را به نمایش می‌گذارد؛ اما هنگامی که درخت یا ساقه‌های برگدار در کوه‌ها یا یا بر بالای سر گاو-مردهایی روییده است که جای کوه را گرفته‌اند و گاهی که خدا فاقد شعله‌های آتش روی شانه‌هاست، آن‌ها نماد گیاهانند، و دست‌کم فصلی از سال را نشان می‌دهند که در آن دمای خورشید سوزان و نابودکننده نیست. زمانی که خدا به صورت نابودکننده نباتات با شعله‌های آتش پدیدار می‌شود باید پذیرفت که این رویداد در فصل دیگری از سال رخ داده است. سرانجام گاهی خدا بدون نماد شعله‌ها بر روی شانه‌هاست یا با مشعلی ظاهر می‌شود و یا خدای دیگری با شعله‌ها بر شانه‌ها او را همراهی می‌کند» (مجیدزاده، ۱۳۸۰: ۷۷). در تصویر ایجاد شده از مهر استوانه‌ای اکد خدایان مختلف نشان داده شده‌اند. (تصویر ۱۲) در این تصویر خدای خورشید در حال بازکردن راه خود از میان کوه‌های شرقی بوسیله اره خود می‌باشد (reade، ۱۹۹۱: ۵۱)

صفحه خورشیدی بابلی

صفحه دایره‌ای شکل با اشعه‌هایی که از قسمت برجسته مرکزی ساطع شده‌اند. این طرح بیانگر نماد خدای خورشید شمش می‌باشد. احتمالاً نمادهای چرخ مانند از این الگو اقتباس شده‌اند. (تصویر ۱۳) «گردن‌بند طلا با تعویذهایی به شکل الهه لاما (Lama) و نمادهای ایزدی همچون هلال ماه، نماد روشنایی و صفحه خورشیدی بابلی. قرن نوزدهم - هجدهم قبل از میلاد در دیلبت یافت شده است.» (بلک، ۱۳۹۲: ۵۸).

قرص خورشید بالداری

«ترکیب دیسک شمسی و بال‌های شاهین یا باز شمسی، حرکت کره آسمانی، الوهیت؛ نورانیت؛ بی‌مرگی؛ نیروی وهم‌آور مولد طبیعت؛ نیروهای دوگانه زندگی بخش و محافظ و دافع شر را می‌نماید. دیسک بالداری نماد مستقیم ایزدان خورشید، آشور آشوریان و شَمَش بابلیمان است.» (کوپر، ۱۳۷۹: ۱۶۲). «قرص بالداری نماد آشور، خدای عمده آشوری و نماد شَمَش، خورشید- خدای آنان شد. بر روی مهرهای استوانه‌ای شکل آشوری، قرص بالداری بر فراز درخت

تصویر ۱۴.

قرص خورشید بالداری آشور

ماخذ:

www.betdavid.com



تصویر ۱۵.

کاشی‌های منقوش از راهای

توکولتی- نینورتای دوم

ماخذ:

britishmuseum.org



مقدس در گردش است. خود آشور که مجهز به تیر و کمان بود در درون قرص ظاهر می‌شود (تصویر ۱۴) در زمانی که این قرص، برای حفاظت پادشاه در جنگ یا در شکار بر فراز سرش در پرواز است.» (هال، ۱۳۸۰: ۷۴). قرص خورشید بالداری در بسیاری از آثار هنری آشوریان به کار رفته که از این میان یک نمونه از آن‌ها در کاشی‌های منقوش بررسی می‌شود. کاشی‌های منقوش از راهای توکولتی- نینورتای دوم همراه با نام او، و به همان ترتیب، کاشی‌های متعلق به آشور ناصر پال دوم جزئیات جالبی از رویدادهای مربوط به جنگ‌های این دو پادشاه را به نمایش می‌گذارد. برای مثال «در یک صحنه غیر معمول خداوند آشور در شکل انسانی خود نشان داده شده است. این کاشی لعاب‌دار به دوران پادشاهی توکولتی- نینورتای دوم تعلق دارد که از حفاریات آشور به دست آمده است و در آن خدا فعالانه به حمایت از پادشاه و ملت آشور برخاسته است. (تصویر ۱۵) او بر بالای ارابه شاهی درون قرص خورشید تیر در چله کمان نهاده و علیه دشمنان آشور کشیده است. ابرهای بارانی به نشانه نیروی طبیعی آشور آسمان را پوشانیده است. ظهور آشور با بال و پاهای به شکل دم پرند غریب است و معمولاً گفته می‌شود این نقش‌مایه خاستگاه مصری دارد، و در آن‌جا خداوند هوروس که به صورت عقاب متجلی می‌گردد، نمادی به شکل قرص خورشید بالداری دارد. قرص خورشید بالداری در اواسط هزاره دوم ق م بر مهرهای استوانه‌ای سوری‌ای ظاهر می‌شود. در این‌جا این نماد به صورت بال‌هایی است که خورشید را نگاه داشته در مفهوم اصلی خود، نشان‌دهنده آسمان است. شهرت و اعتبار فراعنه مصری برای فرمانروایان سرزمین‌های آسیای غربی الگو شده بود، و آشوری‌ها به مرور زمان برای آشور حامی برجسته پادشاه و سرزمین آشور شخصیتی برابر هوروس قایل شدند» (مجیدزاده، ۱۳۸۰: ۱۸۷).

جدول ۱. طبقه‌بندی انواع الگوهای نماد خورشید در آثار هنری بین‌النهرین

نمادها	الگوها	دوره های تاریخی	مفاهیم	نمونه هایی از موارد کاربرد
۱ دایره		سومر ۳۵۰۰ ق.م	نماد چهار جهت اصلی طبیعت و بادهای باران زاست که نماد خدایان آسمان، آب و هوا است و نیز نماد شمش و آنو خدای آسمان است.	چرخ‌های ارابه‌ای خاص حمل اموات
۲ صلیب		پس از دوره سلسله‌ای نخستین تا نیمه هزاره دوم پیش از میلاد	یک نشانه باستانی خورشید، احتمالاً دلالت بر شمش داشت.	در مجسمه‌های پادشاهان آشوری که ملبس به نمادهای ایزدی، نظیر گوشواره‌ها یا گردن‌بندهای آویزان به عنوان حرز و تعویذ تصویر شده‌اند.
۳ صفحه خورشید		دوره اکدی تا نو - بابلی	نماد خدای خورشید، یعنی شمش (اوتو)	در بالای بسیاری از کتیبه‌ها همراه با نماد سین، خدای ماه و ستاره، نماد الهه ایشتار دیده می‌شود و اغلب بر روی تیرکی به عنوان یک علم به کار برده شده است.
۴ به صورت انسان		از دوره اکد ۲۲۲۰ تا ۲۱۵۹ ق. م و دوره بابل و آشور	نماد خدای خورشید، یعنی شمش (اوتو)، بازتابی از هر چه انسانی تر شدن نیروهای طبیعی و فوق طبیعی است.	مهرهای استوانه‌ای، نقش برجسته‌ها که دو مورد از مشهورترین آن‌ها یعنی لوح قانون حمورابی و سنگ یادمان نبو-اَپل-ایدین هستند.
۵ صفحه خورشیدی بابلی		قرن نوزدهم - هجدهم قبل از میلاد دوره بابل	نماد خدای خورشید، شمش	بر روی آویز گردن بند طلا با کاربرد زیور آلات و طلسم
۶ قرص خورشید بالدار		در اواسط هزاره دوم ق م دوره آشور	نماد مستقیم ایزدان خورشید، آشور آشوریان و شمش بابلیان حرکت کره آسمانی، الوهیت؛ نورانیت؛ بی مرگی؛ نیروی وهم آور مولد طبیعت؛ نیروهای دوگانه زندگی بخش و محافظ و دافع شر	بر روی مهر های استوانه‌ای شکل آشوری و در کاشی‌های منقوش

نتیجه:

نماد خورشید از جمله نشانه‌های کهن سرزمین بین‌النهرین و از رایج‌ترین نقوش به کار رفته روی مهرها، نقش برجسته‌ها، حجاری‌ها و نقوش کاشی‌های لعابدار و غیره است. کاربرد گسترده این نماد در تمامی دوران‌ها و حکومت‌ها در منطقه بین‌النهرین نشان‌دهنده اهمیت بسیار این نماد است. این نشانه در سرزمین بین‌النهرین به شکل الگوهای متفاوت و متنوعی ظاهر شده است که دارای معانی مشترک و مشابهی بوده و وسیله‌ای برای نمایش تفکر دینی و اسطوره‌ای و نمادهای ایزد خورشید هستند. در اسطوره‌ها ایزد خورشید مظهر نور درخشان خورشید، هستی بخش، خدای حقیقت و عدالت، پیشگو و دشمن تاریکی و بیماری‌ها و پاسدار ستمدیدگان و نیز به عنوان محارب شر و دارای شخصیت جنگ‌آوری بوده است. نماد خورشید بازتابی از انسانی‌تر شدن نیروهای طبیعی و فوق طبیعی است که در نتیجه وضعیت اجتماعی و طبیعی منطقه و اهمیت این عنصر طبیعی در زندگی مردم آن را تا مقام خدایی در بسیاری از تمدن‌های کهن بالا برد. به دلیل مفهوم طلسم گونه آن در محافظت از شر، به عنوان حرز و تعویذ نیز به کار برده می‌شد. در این مقاله نمادهای رایج خورشید در بین‌النهرین در شش گروه طبقه‌بندی شد و مشخصات و نمونه‌هایی از موارد کاربرد هر یک از آن‌ها شرح داده شده است. این نشانه مختص منطقه بین‌النهرین نبوده و در سایر تمدن‌های باستان از جمله مصر، ایران و هند اهمیت زیادی داشته است و با الگوهای متنوع که اغلب دارای ریشه مشترکی هستند، به وفور استفاده شده است. استفاده از این نقوش در سایر تمدن‌ها و دوره‌ها تا به امروز همچنان از محبوبیت و جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

منابع

- بلک، جرمی و گرین، آنتونی، (۱۳۹۲)، فرهنگنامه خدایان، دیوانو نماد های بین‌النهرین باستان، ترجمه پیمان متین، تهران، امیرکبیر.
- دو بوکور، مونیک، (۱۳۷۳)، رمزهای زنده جان، ترجمه جلال ستاری، تهران: نشر مرکز
- کوپر، جی سی. (۱۳۷۹)، فرهنگ مصور نمادهای سنتی، ترجمه ملیحه کر باسیان، تهران: فرشاد.
- گری، جان، (۱۳۷۸)، اساطیر خاور نزدیک بین‌النهرین، ترجمه باجلان فرخی، تهران: اساطیر.
- گاردنر، هلن. (۱۳۹۱)، هنر در گذر زمان، ترجمه محمد تقی فرامرزی: نگاه.
- مجیدزاده، یوسف، (۱۳۸۰)، تاریخ و تمدن بین‌النهرین جلد سوم هنر و معماری، ویراستار شهناز سلطانزاده، هایده عبدالحسین زاده، ویرایش زیر نظر احمد حب علی موجانی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- موتگارت، آنتوان، (۱۳۷۷)، هنر بین‌النهرین باستان: هنر کلاسیک خاور نزدیک، مترجم انگلیسی جودیت فیلسون، مترجمان فارسی زهرا باستی، محمد رحیم صراف، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها (سمت).
- هال، جیمز، (۱۳۸۰)، فرهنگ نگاره‌ای نمادها در هنر شرق و غرب، ترجمه رقیه بهزادی، تهران: فرهنگ معاصر.
- یونگ، کارل گوستاو (۱۳۸۶)، انسان و سمبول‌هایش، ترجمه محمود سلطانیه، چاپ ششم، جامی.
- وارنر، رکس. (۱۳۸۹)، دانشنامه اساطیر جهان، برگردان ابوالقاسم اسماعیل پور، چاپ چهارم، تهران، اسطوره.
- Reade T Julian. (1991), Mesopotamia, London, British Museum Press

